اردوغان سیاستمداری با هویتی دوگانه

«خلیفه منتظر» بر تخت می‌نشیند؟



نزهت امیر آبادیان، روزنامه‌نگار

«خلیفه منتظر» لقبی است که به دلیل برگزاری انتخابات زودهنگام در ترکیه به اردوغان داده شده است. چندی پیش رجب طیب اردوغان رئیس جمهور فعلی ترکیه پس از دیدار با دولت باغچه‌لی، رهبر حزب راستگرای حرکت ملی (MHP) خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام شد. انتخاباتی امروز برگزار می‌شود و آینده این کشور را دچار تغییرات اساسی می‌کند.

انتخابات پارلمانی جدید در ترکیه به معنای آغاز تغییر نظام سیاسی در این کشور است. پس از این انتخابات قرار است قانون اساسی جدید ترکیه به اجرا درآید که بر اساس آن حدود اختیارات و قدرت ریاست جمهوری بیشتر خواهد شد و قطعا این انتخابات برای ترکیه رویدادی سرنوشت‌ساز است. اگرچه اردوغان وضعیت کنونی در سوریه و عراق، و تصمیماتی که باید در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور اتخاذ شود را دلیل برگزاری انتخابات زودهنگام بیان کرده است اما نا گفته پیداست که دلایل دیگری برای این انتخابات زودهنگام وجود دارد.

قطعا لقب «خلیفه» برای اردوغان عنوانی قابل قبول است، هفت سال پیش اردوغان در اوج اتفاقات بهار عربی در خاورمیانه تلاش کرد نقش رهبری کشور های اسلامی را به خود بگیرد، اردوغان در زمان حکومت اسلامگرایان به مصر رفت و هنگام ورود به فرودگاه قاهره به زبان عربی خطاب به کسانی که به استقبالش آمده بودند، گفت: «سلام بر مصر و سلام بر جوانان این کشور! می‌دانید که مصر و ترکیه دستی واحد هستند.» مردم قاهره در بزرگراه‌ها تجمع کرده بودند. بیلبوردهای بزرگی نیز از عکس‌های رجب طیب اردوغان و پرچم ترکیه و مصر در کنار هم در خیابان‌های قاهره به چشم می‌خورد و همه اینها حامل یک پیام بود «اتحاد برای آینده». اما سرمایه گذاری‌های اردوغان بر خاورمیانه به سرعت و با تحولات ناگهانی به شکست انجامید و او پروژه خود را به گونه دیگری به پیش برد.

شخصیت محوری از ویژگی‌های برجسته در فرهنگ سیاسی خاورمیانه است، خاورمیانه همیشه به دنبال رهبران قدرتمندی بوده که امنیت را به ارمغان آورند که البته بی‌شک از آزادی ها می‌کاهند تا جایی که گاه اهمیت رهبران سیاسی بیشتر از برنامه‌های حزبی یا گاه به‌طور کلی فراتر از احزاب قرار می‌گیرد. رجب طیب اردوغان یکی از شخصیت‌های مهم خاورمیانه با هویتی دوپاره است، اردوغان پوپولیستی قدرت‌طلب است که از سکولاریسم سخن می‌گوید و همزمان وعده ایجاد جامعه دینی می‌دهد. اگر اردوغان در سال ۲۰۱۲، ده سال پس از نخست‌وزیری در ترکیه از قدرت کناره می‌گرفت، شاید به عنوان بزرگترین مرد ترکیه از زمان آتاتورک، بنیانگذار این کشور، نامی نیک از خود در تاریخ به جا می‌گذاشت اما ظاهرا سیاستمداران پس از حضور طولانی در قدرت به ندرت می‌توانند این عرصه را ترک کنند آنها در قدرت می‌مانند و روز به روز اشتباهات بیشتری مرتکب می‌شوند، فساد را افزایش می‌دهند و تسلیم جاه‌طلبی‌های شخصی خود می‌شوند. اردوغان نمونه کلاسیک این ماجراست.

حدود یک قرن هنگامی که مصطفی کمال آتاتورک پیش جمهوری ترکیه را بنیان نهاد، با الهام از جمهوری‌های اروپایی دین را از حوزه عمومی حذف کرد. ترکیه کشور بزرگی که روزی مرکز خلافت امپراتوری عثمانی بود با اصلاحات آتاتورکی قوانین اسلامی را کناری نهاد و اصول سکولاریسم در قانون اساسی این کشور تثبیت شد.

طی ۱۶ سال گذشته که اردوغان و حزب اسلامگرای عدالت و توسعه سیاست‌های این کشور را تحت کنترل خود داشته، قانون اساسی سکولار این کشور به سوی قوانینی مذهبی و محافظه کارانه حرکت کرده است و اکنون انتخابات اخیر در ترکیه این سوال را مطرح می‌کند که آیا مهمترین دموکراسی در جهان اسلام از سکولاریسم جدا خواهد شد؟

اگرچه حزب عدالت و توسعه ادعا می‌کند که سکولار است، با بسیاری از دیدگاه های آتاتورک مخالف است و به گمان بسیاری از مخالفان این حزب قصد دارد جمهوری ترکیه را از بین ببرد.

حزب حرکت ملی به رهبری دولت باغچه‌لی مدت‌هاست از اردوغان و سیاست‌های حزب عدالت و توسعه (AKP) پشتیبانی می‌کند. این دو حزب قصد دارند که در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در جبهه‌ای واحد شرکت کنند. بر اساس نظر سنجی موسسه کنسنسوس (Konsensus) که نتایج همه پرسی قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۷ را تقریبا بدون خطا پیش بینی کرده بود، «اتحاد جمهور متشکل از حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی» ۵۰،۴ درصد آرا را در انتخابات آتی بدست خواهند آورد. همچنین آرای رجب طیب اردوغان (رئیس جمهور کنونی ترکیه) در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه ۴۷،۹ درصد، محرم اینجه ۲۶،۸ درصد، مرال آکشنر ۱۴،۸ درصد، صلاح الدین دمیرتاش ۹،۷ درصد، تمل کارامالاوغلو ۰،۷ درصد، دوغو پرینچک ۰،۱ درصد پیش بینی شده است. موسسه کنسنسوس بین اول تا ۲۸ ماه مه در ۴۲ استان ترکیه با دو هزار نفر به صورت چهره به چهره و حضوری مصاحبه و گرایش شرکت کنندگان در انتخابات بیست و چهارم ژوئن (سوم تیرماه) را بررسی و ارزیابی کرده است.

براساس اخبار در سال‌های اخیر جامعه تحصیلکرده ترکیه اعتراضات مدنی زیادی برای حفاظت از قانون اساسی، حقوق شهروندی و حمایت‌های اجتماعی داشته‌اند و این به معنای تبدیل شدن قشر تحصیلکرده به اپوزیسیون در ترکیه است

اردوغان در سال ۱۹۹۶ میلادی گفته بود که دموکراسی هدف نیست بلکه تنها یک وسیله است، او زمانی که شهردار استانبول بود خود را پیرو و خدمتگزار شریعت معرفی می کرد و طرفدارانش او را امام استانبول خطاب می کردند. او گفته بود: دموکراسی همانند تراموای شهری است. شما از آن برای رسیدن به مقصد استفاده می کنید و پس از آنکه رسیدید پیاده می شوید. ما هرگز به دموکراسی به عنوان یک هدف اعتقاد نداریم و آن را تنها یک ابزار می دانیم.

اکنون بی جهت نیست که مخالفان سیاسی او معتقدند که اردوغان در حال پیاده شدن از قطار دموکراسی است. همه پرسی سال ۲۰۱۷ را می توان شاهدی بر این گفته مخالفان دانست؛ اصلاح قانون اساسی و تغییر ساختار نظام سیاسی ترکیه از پارلمانی به ریاستی با اختیارات بیشتر به رییس جمهور، قرارگیری رییس جمهور در رهبری حزب حاکم، حذف پست نخست‌وزیری، اجباری کردن آموزش اسلام سنی در مدارس از سن شش سالگی، حذف دروس مربوط به نظریه تکامل داروین و جایگزین کردن آن با نظریه آفرینش در مدارس همگی از جمله این اتهامات علیه اردوغان هستند. در آخرین روزهای جولای ۲۰۱۷ اردوغان در مطبوعات جهان خبر ساز شد. در بیست و نهم جولای ۲۰۱۷ صدها نفر از زنان ترکیه در استانبول بزرگترین شهر ترکیه در اعتراض به خشونت علیه زنان خواستار محافظت بیشتر دولت از زنان شدند. اگرچه شعار اصلی راهپیمایی مبنی بر آزادی پوشش بود، اما راهپیمایان با شعار «عدالت پایه و اساس دولت است» و «در ترکیه امروز پایه و اساس دولت در معرض خطر است»، اردوغان را متهم به دیکتاتوری کردند. بر اساس اخبار در سال‌های اخیر جامعه تحصیلکرده ترکیه اعتراضات مدنی زیادی برای حفاظت از قانون اساسی، حقوق شهروندی و حمایت های اجتماعی داشته اند و این به معنای تبدیل شدن قشر تحصیلکرده به اپوزیسیون در ترکیه است. محدودیت آزادی های مدنی باعث کم شدن تعداد گردشگران و سرمایه گذاری خارجی و کم شدن ارز در این کشور شده که بر اوضاع اقتصادی این کشور نیز تاثیرات منفی بسیاری بر جای گذاشته است. کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ علیه اردوغان که بسیاری از مخالفان معتقدند توسط خود او برنامه ریزی شده بود، به انقلابی به رهبری اردوغان تبدیل شد. اردوغان از آن پس رویکرد سیاسی خود را هم در زمینه مسایل داخلی و هم مسائل بین الملل تغییر داد. نمونه بارز این این تغییر در روابط خارجی را می توان در تماس های میان پوتین و اردوغان یک ماه قبل از کودتای نافرجام ترکیه و آغاز روابط صمیمانه تر مسکو و آنکارا جستجو کرد. پوتین اولین رهبری بود که به وقوع کودتا در ترکیه واکنش نشان داد. پس از این کودتای شکست خورده روابط ترکیه به روسیه نزدیک و از غرب دور شد و در داخل ترکیه نیز تمایلات اسلامگرایانه موجب گسترش اعتراض ها از سوی بخش های مختلف جامعه شد. اردوغان در بخشی از سخنرانی خود پس از شکست کودتا گفت: این حرکت لطف الهی بود چرا که باعث پاکسازی ارتش کشور می شود من از همین جا به ارتش ترکیه می گویم که به شما اطمینان دارم.

انتخابات پارلمانی جدید در ترکیه به معنای آغاز تغییر نظام سیاسی در این کشور است. پس از این انتخابات قرار است قانون اساسی جدید ترکیه به اجرا درآید. که بر اساس آن حدود اختیارات و قدرت ریاست جمهوری بیشتر خواهد شد

پس از این کودتا به گفته وزارت کشور ترکیه ۷۹۰۰ مأمور پلیس و بیش از ۶۰۰ ژاندارم در شهرهای مختلف از کار برکنار شدند. بیش از صد ژنرال و فرمانده ارتش ترکیه و حدود ۷۵۰۰ نفر نیروی نظامی و قضایی دستگیر شدند. ظرف دو روز ۸۷۷۷ کارمند دولت که شامل استادان دانشگاه نیز می شد از کار برکنار شدند. تا جایی که وهانس هان، کمیسر اتحادیه اروپا در ارتباط با پرونده عضویت ترکیه در این اتحادیه گفت که از سرعت بازداشت‌ها و اخراج‌های بعد از کودتای نافرجام این طور برمی آید که دولت ترکیه از قبل لیستی را آماده داشته است.

آنگونه که به نظر می رسد، اردوغان نگرانی ویژه‌ای برای دور شدن از اتحادیه اروپا ندارد. او مدت هاست که می خواهد به مردم ترکیه این باور را القا کند که اروپایی ها و ترک‌های ترکیه دارای هویت‌های متفاوتی هستند. اردوغان به اعتراضات اتحادیه اروپا در مورد اسلامی شدن ترکیه به عنوان یک فرصت نگاه می کند و برای ارتقای قدرتش نه از طریق رفتن به سوی اروپا بلکه با بازگشت به هویت عثمانی استفاده می کند. خرید سامانه موشکی اس-۴۰۰ از روسیه نیز با همین رویکرد اردوغان صورت می گیرد. کشوری که زمانی آرزوی پیوستن به اتحادیه اروپا را در سر می پروراند امروز با مخالفت با رسانه ها و آزادی بیان، ترویج نقش مذهب در زندگی روزمره مردم روز به روز از این آرزو هادور می شود.

اردوغان در مصاحبه خود با استار تی‌وی گفت که طبق نظرسنجی‌ها هیچ مشکلی وجود ندارد و کاملا مشخص است که انتخابات در دور اول به نتیجه می‌رسد. او که پیشاپیش از پیروزی خود مطمئن است گفته مردم به بیعتشان با من وفادارند و در مورد حزب عدالت و توسعه مزیت چشمگیری وجود دارد که اصلا نمی توان آن را با سایر احزاب برای تشکیل پارلمان در این خصوص مقایسه کرد. و همانگونه که نظرسنجی هانشان می دهد انتظار می رود که میلیون ها تن از ترک‌ها به اردوغان و حزب او رای مثبت دهند و «خلیفه منتظر» آماده کسب قدرت فراوان و تغییر قوانین کشور است.

مذاکرات محلی برای ایجاد منطقه امن در افغانستان

دولت افغانستان در بزرخ سیاسی گرفتار است

امنیت حلقه مفقود شده در ساختار سیاسی افغانستان است، مقوله‌ای که دولتمردان این کشور و حتی ساختار بین نظام بین‌الملل نتوانستند برای تحققش گامی بردارند. چرایی این مسئله را باید در تنوع قومیتی، بورکراسی ناکارآمد و فساد حاکم بر نظام سیاسی حاکم بر افغانستان جستجو کرد، هر چند در این میان مولفه‌هایی چون دخالت‌های بازیگران بین المللی چون ایالات متحده نیز گستره ناامنی را گسترده‌تر کرده است و زمینه را برای حضور گروه‌های تروریستی دیگر چون داعش فراهم کرد. با این حال توافق اخیر میان دولت و طالبان مبنی بر برقراری آتش‌بس موقت میان دو جناح درگیر تا روز پنجم عید فطر امیدواری‌ها در ارتباط با تداوم این فرایند را افزایش داده است، هر چند در این بازه زمانی درگیری‌ها ادامه داشت، درگیری‌هایی که طالبان و تروریست های داعش طراحی کردند و در برخی از ولایت های افغانستان به خصوص ننگرهار شعله‌ور ساختند. در شرایط کنونی صحبت از تلاش برای تعیین منطقه امن میان طالبان و دولت در میان است، طرحی که شمیم کتوازی، والی پکتیا رسانه‌ای کرد. به نظر می‌رسد هم اکنون بزرگان قوم و لایت های مختلف افغانستان از دولت پیشی گرفته، به تاکتیک مذاکره متوسل شده‌اند تا از این طریق به کشمکش‌های محلی پایان داده، زمینه را برای گفتگوهای صلح آمیز در سطح گسترده فراهم کنند. ادوارد اسموتن، تحلیلگر روابط بین الملل معتقد است تلاش والی‌ها برای تحقق صلح با طالبان، آینده سیاسی افغانستان را پیچیده‌تر خواهد کرد، چرا که هر کدام از این گروه ها قصد دارند در آینده در آینده سیاسی افغانستان نقشی برجسته ایفا کنند. هم اکنون بیش از هفده جلسه میان بزرگان و لایت جانی خیل و طالبان برگزار شده



است، نشست هایی که هنوز نتایج آن نامشخص است. با این حال از آنجایی که این ولایت از منظر ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک اهمیت زیادی دارد، تلاش برای تحقق صلح در این ولایت و ولسوالی‌های اطراف می تواند گامی مهم در تحقق امنیت بر این مناطق قلمداد شود، مناطقی که از آنها تحت عنوان پایگاه های مهم تحریک طالبان پاکستان یاد می‌شود. دولت افغانستان و اشرف غنی احمدزی، رئیس جمهوری این کشور بارها پاکستان را به حمایت از فعالیت های تروریستی گروه طالبان متهم کرده، از جامعه جهانی خواستند تا استراتژی اسلام آباد در ارتباط با طالبان را تغییر دهند. در شرایط کنونی مقدمات آنچه که از منظر استراتژیست های آمریکایی تحت عنوان آشتی سیاسی در افغانستان یاد می شد، فراهم شده است، به بیانی دیگر دولت همگام با بدنه معتدل طالبان گام هایی را برای تحقق آشتی ملی برداشته‌اند، با این حال نتیجه حاصل از مذاکرات محلی و دولتی در هاله ای از ابهام قرار دارد، از یک طرف به نظر نمی‌رسد طالبان حاضر باشد به شرایطی چون خلع سلاح و پذیرش مفاد قانون اساسی تن دهد و از طرفی دیگر دولت افغانستان نیز برای تحق امنیت با چالشی جدی روبروست و آن بخشی از جامعه مدنی افغانستان است که با مذاکره و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات با گروه تندرویی چون طالبان را اشتباهی تاریخی قلمداد می کنند. در این میان تجربه نیز ثابت کرده است که طالبان در مسیر آتش‌بس تا میانه راه را طی کرده و پس از آن بار دیگر به خشونت متوسل می شود. به باور ناظران دولت افغانستان در بن بست قرار گرفته است، از یک طرف جامعه مدنی که چرخه خشونت طالبان را برنمی تابند و در مقابل شبه نظامیانی که امروز با نفوذ در میان نظامیان افغان و دستاوردهایی که به دست آورده‌اند به راحتی پشت میز مذاکرات نخواهند نشست و به شروط از پیش تعیین شده تن نخواهند داد.

جریده عالم



حنای دمکراسی رنگ باخته است

بر اساس آخرین تحقیقات و بررسی های موسسه راسموسن بسیاری از مردمان جهان که در کشورهای دمکراتیک زندگی میکنند باور و اعتقاد خود به دمکراسی را از دست داده‌اند. آنها به شدت به این اندیشه که نظامهای برآمده از دمکراسی «برساخته از آرای مردم» اند و «برای مردم» کار میکنند مشکوکند. از قضابیشترین تردیدها به دمکراسی در میان مردمان کشورهایی است که در بزرگترین دمکراسیها زندگی میکنند. «پنجاه و چهار درصد از شهروندانی که در دمکراسیهای بزرگ زندگی میکنند باور دارند صدای آنها هرگز به گوش سیاستمداران نمیرسد و رای و نظر آنها در شکلگیری سیاستها تاثیری ندارد. این در حالی است که این رقم در میان مردمان کشورهای غیردمکراتیک چهل و شش درصد است. بر اساس نتایج این تحقیق از میان ده کشوری که بدترین عملکرد را در زمینه گوش سپردن به صداهای سیاسی در جامعه دارند نه کشور از بزرگترین دمکراسیها هستند. ژاپنیها و پس از آن مردمان لهستان، فرانسه، اتریش و پرتغال در میان کسانی که باور دارند صدا و آرای آنها تاثیری بر رفتار و تصمیمات سیاستمداران ندارد بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند.

سیاست‌های آمریکا به داعش کمک می کند

دانیل بایمن در لاوفر نوشت داعش شاید در جبهه‌های نبرد منهدم شده باشد اما هزاران هزار از نیروهای داعشی در سراسر منطقه متفرق شده و بسیاری از گروه‌های داعشی به گروه‌های زیرزمینی تبدیل شده‌اند و متاسفانه سیاستهای آمریکا به تقویت داعش کمک کرده و به آنها امکان سازماندهی مجدد می دهد. «با سیاست‌های فعلی دولت آمریکا داعش فرصت بسیار مغتنمی برای سازماندهی و بازگشت دوباره به دست آورده است. نیروهای نظامی آمریکایی گستاخانه در تلاشند تا در مبارزه نظامی با داعش در کشورهای افغانستان، عراق، آفریقا و سایر بلاد شرکای منطقه‌ای و جهانی بیابند اما هیچ یک از این اقدامات نمی تواند جای یک رهبری واحد برای مبارزه مجدانه با داعش را بگیرد. دولت جدید آمریکا از همان ابتدای روی کار آمدن این پیام را مخابره کرد که قصد ندارد نیروهای نظامی خود را در سوریه نگاه دارد. این دولت در ادامه رفتارهای غیرمعقولانه خود روابط تجاری خود را با اتحادیه اروپا را با چالش‌های بسیار زیادی مواجه ساخت و سرمایه گذاری کشورهای اروپایی برای مقابله نظامی با داعش را تضعیف و میل به همکاری با آمریکا در مبارزه با داعش را به شدت کمرنگ ساخت. دولت آمریکا به جای آنکه تلاش کند تا کشورهای منطقه‌ای نظیر ترکیه، عربستان سعودی، ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای را در کنار یکدیگر نگاه دارد بر آتش اختلافات آنها دمید و رقابت‌ها و تنش‌های منطقه‌ای را دامن زد. مسلما دیپلماسی و همکاریهای منطقه‌ای و نظامی همواره خوشایند سیاستمدارن نیست و لازم است در این مسیر سازشهای تلخکامانه‌ای صورت بگیرد و چنانچه ایالات متحده آمریکا واقعا بنا دارد تا از احیای داعش جلوگیری کند باید در این مسیر گام بردارد.

چین و حباب دیگری که خواهد ترکید

آدام مینتر بازار فیلم چین را بررسی و مقالهای در همین باره در بلومبرگ منتشر کرد. وی در این مقاله نوشت بازار فیلم و سینمای چین تا چند سال آینده آماده است تا بازار فیلم ایالات متحد آمریکا را پشت سر بگذارد اما شما گول این اعداد و ارقام را نخورید. دخالت‌های دولت در صنعت فیلم و سینمای چین حباب بسیار بزرگی ایجاد کرده که این حباب به زودی خواهد ترکید. «حزب کمونیست چین سال‌های طولانی در تلاش برای مقابله با هالیوود و قدرت نرم سینمای آمریکا در سطح جهان تلاش کرد تا از سینمای محلی و بومی حمایت و انبوه فیلمهای داخلی تولید کند. به همین دلیل هرگونه رقابت خارجی با صنعت فیلمسازی در کشور چین ممنوع شده است این در حالی است که دولت با شدت و قدرت هرچه تمامتر به صنعت سینمای داخلی کمک و از آن حمایت می کند.